صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

حادثه

آتش‌سوزی پژو ۴۰۵ در بزرگراه

یک دستگاه خودروی سواری پژو۴۰۵ در بزرگراه مدرس آتش گرفت و این حادثه خوشبختانه تلفات جانی نداشت. به‌گفته جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی، این حادثه بعدازظهر دیروز رخ داد و هر دو سرنشین خودرو که ۲ جوان حدودا ۲۵ ساله بودند، پیش از گسترش آتش از خودرو خارج شده و دچار سوختگی سطحی شده بودند.

دادگاه

برگزاری سی‌ویکمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات منافقین

سی‌ویکمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات ۱۰۴ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق موسوم به منافقین در شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد. این جلسه روز گذشته برگزار شد و در جریان آن دلایل وکیل شکات پرونده در اثبات تروریستی‌بودن گروهک منافقین بررسی شد.

پایان شوکه‌کننده یک آدم‌ربایی

گروگانگیری ساختگی برای نجات یک زندانی

گزارش
الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

همه تصور می‌کردند که دختر جوان اسیر آدم‌ربایان شده و شرایط سختی را سپری می‌کند؛ اما زمانی که خانواده‌اش قصد داشتند با پرداخت ۳۰هزار دلار به آدم‌ربایان او را آزاد کنند، راز عجیبی فاش شد.

به گزارش همشهری، چند روز قبل کارآگاهان پلیس آگاهی تهران در جریان ربوده‌شدن دختری ۲۰ساله به نام آزیتا قرار گرفتند. پدر او می‌گفت: دخترم برای رفتن به دانشگاه از خانه بیرون رفت اما دیگر برنگشت. همه خیابان‌ها را به‌دنبالش گشتیم اما اثری از او نبود، تا اینکه فردی از طریق واتساپ برایم پیام فرستاد و نوشت که «دخترتان را ربوده‌ایم و برای آزادی او باید ۳۰هزار دلار تهیه کنید.»

پدر آزیتا ادامه داد: بلافاصله با آن شماره تماس گرفتم؛ اما صدایی که معلوم بود ضبط شده است می‌گفت که اگر ظرف ۲۴ساعت این مبلغ را تهیه نکنم، دخترم را به قتل می‌رسانند. دقایقی بعد آدم‌ربایان صدای گریه و التماس‌های دخترم را برایم ارسال کردند و آنجا بود که مطمئن شدم جان دخترم در خطر است. با اظهارات این مرد تحقیقات به دستور بازپرس جنایی تهران برای نجات دختر ربوده‌شده آغاز شد و این در حالی بود که تماس و پیام‌های تهدیدآمیز آدم‌ربایان همچنان ادامه داشت. آنها صدای ناله‌های دختر جوان را که ظاهرا شکنجه می‌شد برای پدرش ارسال و خواسته‌شان را تکرار می‌کردند.

۶روز بعد

ماموران پلیس اقدامات اطلاعاتی خود را برای نجات گروگان شروع کردند و این در حالی بود که پدر آزیتا اصرار داشت مبلغ درخواستی آدم‌ربایان را پرداخت و دخترش را آزاد کند. در این شرایط مأموران از او خواستند تا با آدم‌ربایان به بهانه تحویل دلارها قرار بگذارد. پدر دختر ربوده‌شده با آموزش‌هایی که از سوی پلیس دیده بود، با آدم‌ربایان قرار گذاشت و پس از آن نیز برای تحویل دلارها راهی محل قرار در غرب تهران، حوالی پارک چیتگر شد. او با کیف دلارها در محلی که آدم‌ربایان تعیین کرده بودند، حاضر شد و کیف را در جایی که آنها گفته بودند قرار داد. این درحالی بود که پلیس به‌صورت نامحسوس منطقه را زیرنظر داشت.

آدم‌ربایی ساختگی

وقتی پدر گروگان دلارها را در محل تعیین‌شده قرار داد، پیامی از سوی آدم‌ربایان به موبایلش ارسال شد که از او خواسته بودند محل را ترک کند و تا چند ساعت دیگر دخترش را خواهد دید. پدر گروگان رفت و مأموران پلیس به کمین آدم‌ربایان نشستند؛ اما بعد از گذشت یک ساعت، آنچه را می‌دیدند باور نمی‌کردند. آزیتا، دختری که گروگان گرفته شده بود، با خونسردی به سمت کیف رفت تا آن را بردارد. در این شرایط مأموران وارد عمل شدند و دختر جوان با دیدن پلیس شوکه شد. آنجا بود که مشخص شد آدم‌ربایی در کار نبوده است. آزیتا گفت: کسی مرا گروگان نگرفته؛ خودم نقش گروگان را بازی کردم تا از پدرم پول بگیرم. فکرش را نمی‌کردم که پای پلیس به ماجرا باز شود.

به خاطر خواستگار

دختر جوان درباره انگیزه خود از اجرای نقشه آدم‌ربایی ساختگی گفت: مدتی قبل در اینستاگرام با پسری به نام ارسلان آشنا شدم. او اهل تهران نبود اما هرازگاهی برای دیدن اقوامش به پایتخت می‌آمد و با هم قرار می‌گذاشتیم، تا اینکه چند روز قبل به من زنگ زد و گفت زندانی شده است. ارسلان برایم تعریف کرد که در جریان یک‌درگیری خیابانی فردی را با چاقو زخمی کرده است. ظاهرا دعوای آنها به‌خاطر کل کل و کری‌خوانی بوده و آنطور که ارسلان می‌گفت، دادگاه حکم به پرداخت دیه داده بود. او هروقت از زندان به من زنگ می‌زد می‌گفت باید پول دیه را تهیه کند و درغیراین‌صورت باید در زندان بماند؛ چون شاکی خصوصی دارد. این حرف‌های او خیلی مرا به هم ریخت؛ چون قرار بود ارسلان به خواستگاری‌ام بیاید و شب عید نامزد کنیم؛ اما نشد. او ادامه داد: در این شرایط به تکاپو افتادم تا هرطور شده مبلغ دیه را تهیه کنم و ارسلان آزاد شود. تنها فکری که به ذهنم خطور کرد، آدم‌ربایی ساختگی بود. ابتدا می‌خواستم طلاهای مادرم را سرقت کنم؛ اما ترسیدم مادرم شکایت کند و پای پلیس به ماجرا باز شود. درنهایت تصمیم گرفتم یک هفته به هتل بروم و نقش گروگان را بازی کنم تا از پدرم پول بگیرم. پدرم مهندس عمران و برج‌ساز است. برای او ۳میلیارد تومان پول زیادی نیست؛ اما من با این پول می‌توانستم ارسلان را از زندان آزاد کنم. فکر می‌کردم هرگز اسرار این ماجرا فاش نخواهد شد؛ اما خب تصورم اشتباه بود چون ماه همیشه پشت ابر نمی‌ماند. تحقیقات در این پرونده، پس از ثبت اظهارات دختر جوان، از سوی تیم جنایی ادامه دارد.

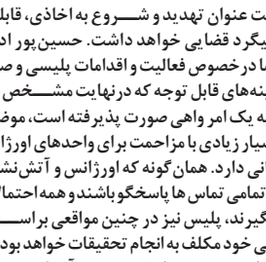

گفت و گو

مجازات آدم ربایی ساختگی

مروری بر پرونده‌های حوادث نشان می‌دهد که هرازگاهی برخی از افراد به‌دلیل انگیزه‌های عجیب، نقشه آدم‌ربایی ساختگی می‌کشند و نه‌تنها خانواده‌هایشان را به دردسر می‌اندازند، بلکه پلیس و دستگاه قضایی را گمراه می‌کنند و آنها به جای اینکه وقت و انرژی خود را صرف پرونده‌های مهم دیگر کنند، گرفتار پرونده‌ای می‌شوند که واقعیت ندارد. مجتبی حسین‌پور، قاضی سابق دادسرای جنایی تهران و وکیل دادگستری دراین‌باره به همشهری می‌گوید: در این نوع پرونده‌ها معمولا از عبارت صحنه‌سازی استفاده می‌کنیم.

در مواقع صحنه‌سازی برای وقوع جرم، درصورتی که این صحنه‌سازی یا انتصاب جرم واهی، شخص معلوم یا مشخصی را هدف قرار دهد و درواقع مرتکب از این طریق بخواهد شخصی را متهم یا مجرم جلوه دهد، موضوع تحت عنوان جرم افترا قابل پیگیری و مجازات است؛ اما در حالتی که نه تنها جرمی اتفاق نیفتاده بلکه شخص مرتکب یا مورد نظر صرفا برای برخی مقاصد اعم از مالی یا خانوادگی یا احساسی، وقوع جرمی را به‌دروغ به‌خودش نسبت دهد بدون اینکه شخص دیگری را متهم کند، موضوع از شمول بزه افترا خارج است؛ چون شاکی خصوصی که جرمی به او نسبت داده شده باشد وجود ندارد. چنانچه در پرونده‌های مشابه، افراد دیگری نیز دخیل باشند و شاکی (شخصی که از او درخواست پول می‌شود) طرح شکایت کند، موضوع با لحاظ برخی شرایط تحت عنوان تهدید و شروع به اخاذی، قابلیت تعقیب و پیگرد قضایی خواهد داشت. حسین‌پور ادامه می‌دهد: اما درخصوص فعالیت و اقدامات پلیسی و صرف وقت و هزینه‌های قابل توجه که درنهایت مشخص شد نسبت به یک امر واهی صورت پذیرفته است، موضوع شباهت بسیار زیادی با مزاحمت برای واحدهای اورژانس و آتش‌نشانی دارد. همان‌گونه که اورژانس و آتش‌نشانی مکلفند به تمامی تماس‌ها پاسخگو باشند و همه احتمالات را درنظر بگیرند، پلیس نیز در چنین مواقعی براساس وظایف ذاتی خود مکلف به انجام تحقیقات خواهد بود؛ اما چنانچه در این مسیر خسارتی به وجود آید که منتسب به شخص مرتکب (دروغگو) باشد، به‌نظر می‌رسد از باب قاعده کلی مسئولیت مدنی، قابلیت پیگیری داشته باشد. اما معمولا پلیس بیشتر به وظیفه ذاتی خود نگاه می‌کند و از اینگونه موارد حتی‌الامکان با اغماض چشم‌پوشی می‌شود. این وکیل دادگستری می‌گوید: در کنار طرح موضوع واهی (وقوع جرم نسبت به‌خود یا همان آدم‌ربایی ساختگی)، اگر فرد مرتکب جرائم دیگری شود (مانند سرقت از منزل یا تخریب و تهدید به اینگونه جرائم)، می‌توان به این موارد به‌طور مستقل با درخواست شاکی رسیدگی کرد.

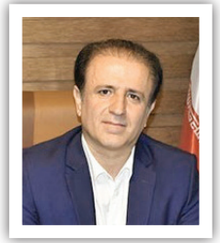

شمارش معکوس برای قصاص شوهر سابق

دادسرا

حکم قصاص مرد میانسالی که پس از طلاق بر سر حضانت فرزندانش با همسر سابقش درگیر شده و جان او را گرفته بود، قطعی و شمارش معکوس برای قصاص او آغاز شده است. به گزارش همشهری، شامگاه ۲ مردادماه پارسال، در یکی از خیابان‌های شمال پایتخت اتفاق عجیبی افتاد. مردی که یک چاقو در دست داشت، درحالی که گریه می‌کرد می‌خواست به زندگی‌اش پایان دهد که شاهدان مانع او شدند و چاقو را از دستش خارج کردند. مرد میانسال درحالی که گریه می‌کرد، رو به مردم کرد و گفت: «من جان همسرسابقم را گرفته‌ام و نمی‌خواهم زنده بمانم.» شاهدان با پلیس تماس گرفتند و طولی نکشید که با حضور مأموران مرد میانسال دستگیر شد. در بررسی‌ها معلوم شد که گفته‌های مرد میانسال حقیقت دارد. او همان کسی بود که روز ۳۰تیرماه در شرق تهران به زندگی همسرسابقش پایان داده بود. زنی که به قتل رسیده بود، ۴۰ساله بود و در یک بوتیک لباس‌فروشی واقع در شرق تهران کار می‌کرد. این زوج چند سال قبل از یکدیگر جدا شده بودند اما همچنان به‌خاطر حضانت فرزندانشان با هم اختلاف داشتند تا اینکه روز حادثه مرد خشمگین درحالی که چاقو همراهش بود به سراغ همسرسابقش رفت و با وی در مقابل بوتیک لباس‌فروشی درگیر شد و با ضربات چاقو، او را به قتل رساند. از همان زمان جست‌وجوی تیم جنایی پایتخت برای دستگیری قاتل فراری آغاز شده بود اما اثری از وی نبود تا اینکه درنهایت، دستگیر شد.

مکث

حکم مرگ

متهم پس از اقرار به قتل، روانه زندان شد. پرونده برای ادامه روند رسیدگی به دادگاه کیفری فرستاده شد و قضات با شکایت اولیای دم، حکم بر قصاص قاتل دادند. هرچند قاتل به حکم اعتراض کرد اما قضات عالی‌رتبه دیوان عالی کشور مهر تأیید بر حکم صادر شده زدند. به این ترتیب، پرونده به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارجاع و شمارش معکوس برای قصاص قاتل آغاز شد.

قصد قتل نداشتم

متهم به قتل وقتی روبه‌روی افسر پلیس آگاهی تهران نشست، به گریه افتاد و گفت که هرگز قصد کشتن مادر بچه‌هایش را نداشته است. او توضیح داد: من کارگر ساختمانی هستم و سال‌ها قبل به ژاپن رفتم که در آنجا کار کنم. بعد از بازگشت از ژاپن به خواستگاری دختری که از بستگان دورمان بود و عاشقش بودم، رفتم و با هم ازدواج کردیم. حاصل ازدواج ما دو فرزند است. وی ادامه داد: اگرچه اوایل، زندگی خوبی داشتیم اما به‌تدریج اختلاف هایمان شروع شد به‌طوری که حدود ۱۱، ۱۲سال قبل تصمیم به جدایی گرفتیم. متهم گفت: حضانت دخترم با مادرش بود و پسرم با من، اما پسرم چند وقت قبل که پا در سن ۱۸سالگی گذاشت، رفت پیش مادرش و گفت می‌خواهد با او زندگی کند. او دیگر مرا نمی‌خواست و تصمیم گرفتم حضانت دخترم را پس بگیرم و هر دو فرزندم را نزد خودم برگردانم. متهم ادامه داد: روز حادثه رفتم به سراغ همسرسابقم. با خودم چاقو بردم که تهدیدش کنم. تا او را دیدم گفتم چرا بچه‌ها را علیه من کرده‌ای؟ او زیر بار نرفت و بر سر حضانت بچه‌ها با هم درگیر شدیم. نمی‌دانم چه شد که نتوانستم خشمم را کنترل کنم و با ضربات چاقو جان همسر سابقم را گرفتم. این دو، سه روز هم در خیابان‌ها سرگردان بودم و اصلا حال خوبی نداشتم. به‌طوریکه تصمیم گرفتم با همان چاقویی که جان همسرم را گرفته بودم، جان خودم را هم بگیرم اما مردم مانعم شدند. مرد میانسال ادامه داد: باور کنید من قصد قتل نداشتم و نمی‌خواستم جان همسرم را بگیرم. در این ۳روز بارها مخفیانه سر مزار همسرم رفتم و حتی یک لحظه هم عذاب وجدان رهایم نکرد.

مرگ اسرارآمیز مرد جوان در شرکت خصوصی

کشف جسد مردی در یک شرکت خصوصی، تیم جنایی پایتخت را با یک معمای پیچیده مواجه کرده است. به گزارش همشهری، ظهر یکشنبه بیست‌وچهارم فروردین سرایدار ساختمانی در شمال تهران متوجه بوی تعفنی شد که در ساختمان پیچیده بود. بو از داخل یکی از واحدها به مشام می‌رسید؛ واحدی که دفتر شرکت خصوصی و چند روزی می‌شد که تعطیل شده بود. مرد سرایدار با پلیس تماس گرفت و دقایقی بعد مأموران با حضور در محل، قدم در واحد اداری گذاشتند و با پیکر بی‌جان مردی جوان مواجه شدند. از آنجا که چند روزی از مرگ مرد جوان می‌گذشت و جسد متعفن شده بود، علت اصلی مرگ به‌درستی مشخص نبود. در این شرایط، گزارش این حادثه به قاضی محسن اختیاری، بازپرس جنایی اعلام و به دستور او، جسد برای تعیین علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد. از سوی دیگر مشخص شد که مرد جان‌باخته، در شرکت خصوصی کار می‌کرده است. در ادامه هویت وی که مردی ۳۰ساله بود، به‌دست آمد و مأموران به تحقیق از برادر او پرداختند. این مرد گفت: ما اهل تهران نیستیم اما برادرم مدتی قبل برای کار به تهران آمد. او ادامه داد: برادرم در کار نصب و راه‌اندازی دوربین‌های مداربسته فعالیت داشت و در شهرمان کار و کاسبی خوبی داشت تا اینکه یک سال قبل با ۲نفر که مدیر شرکت بودند، آشنا شد. آنطور که برادرم می‌گفت، شرکت در زمینه پرداخت وام فعالیت دارد. او هرازگاهی با مدیران شرکت در کنار ماشین‌های لوکس مانند بنز و پورشه عکس می‌گرفت و در اینستاگرام پست می‌کرد. من از همان ابتدا به مدیران شرکت مشکوک شدم و به برادرم گفتم که آنها کلاهبردار هستند. برادرم قبول نمی‌کرد و می‌گفت مدیرانش، ویلاهای آنچنانی و خودروهای لوکس دارند تا اینکه درنهایت به طرز مشکوکی برادرم به قتل رسیده و مدیران او فرار کرده‌اند. شکی ندارم که قتل از سوی آنها صورت گرفته است. پس از ثبت اظهارات شاکی، تحقیقات برای دستگیری مدیران شرکت خصوصی و رازگشایی از مرگ مرد جوان توسط تیم جنایی پایتخت آغاز شده است.

بسته خبری خارجی

قاتل اجاره‌ای، مأمور مخفی پلیس بود

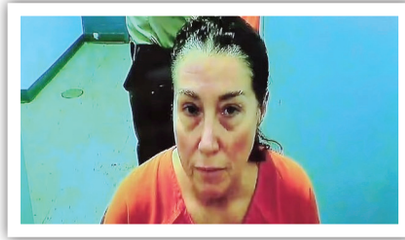

همسر سابق مجری معروف که برای کشتن وی قاتل استخدام کرده بود، خبر نداشت که قاتل اجاره‌ای در حقیقت مأمور مخفی پلیس است. به گزارش همشهری به نقل از بی‌بی‌سی، ۲هفته پیش یک مأمور مخفی پلیس ایالت تنسی آمریکا باخبر شد که زنی قصد استخدام یک قاتل را دارد. این زن ۵۵ساله به نام آنجلینا سالومون، همسر سابق آرون سالومون، مجری معروف برنامه صبحگاهی تلویزیون بود که می‌گفت حاضر است پول خوبی به قاتل اجاره‌ای پرداخت کند. مامور مخفی در نقش قاتل اجاره‌ای با او ارتباط برقرار کرد و به‌صورت تلفنی با هم در مورد این جنایت صحبت کردند. زن میانسال قصد کشتن شوهرش را داشت و می‌خواست که بعد از کشته شدن همسرش، جسد او در یک منطقه متروک دفن شود تا هرگز کسی نتواند او را پیدا کند.

او به قاتل اجاره‌ای قلابی، وعده پرداخت پول بعد از اتمام نقشه را داده بود. همچنین مدارک خرید یک خودرو به نام قاتل اجاره‌ای را به‌عنوان پیش‌پرداخت به او داده بود. آنجلینا گفته بود که «آرون باید ناپدید شود و زیر خاک برود.»

براساس گفته پلیس، آنجلینا اطلاعاتی درباره محل کار آرون و منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کند، در اختیار قاتل گذاشته بود. براساس این گزارش، آن دو بعدازظهر روز جمعه گذشته، در پارکینگ مرکز خرید کول اسپرینگز یکدیگر را ملاقات کردند. اما در این ملاقات آنجلینا با دیدن یک گروه از مأموران پلیس، درحالی که غافلگیر شده بود، دستگیر شد. او در بازجویی‌ها اعتراف کرد که مرگ آرون باعث می‌شد دخترشان به یک صندوق امانات حاوی پول و اشیای قیمتی دسترسی پیدا کند و به همین دلیل وی نقشه قتل او را کشیده بود. آنجلینا به اتهام درخواست برای ارتکاب قتل درجه اول و تلاش برای استخدام یک پلیس مخفی متهم شده و با وثیقه ۵۰۰هزار دلاری روانه زندان شد.

۳حبس ابد برای قاتلی که حیوانات را دوست داشت

مرد آمریکایی که ۳نفر را به‌دلیل عشق به حیوانات به قتل رسانده بود، به ۳حبس ابد محکوم شد. به گزارش همشهری به نقل از لس‌آنجلس تایمز، صبح یکی از روزهای سپتامبر سال ۲۰۱۶، پلیس کالیفرنیا در جریان قتل یک زوج و دوست خانوادگی‌شان در منطقه اورنج کانتی قرار گرفت. دختر ۶ساله خانواده پلیس را در جریان این جنایت قرار داده بود و پلیس تحقیقات اولیه خود را آغاز کرد و معلوم شد هر ۳مقتول در زمینه خرید و فروش خز و پوست حیوانات مشغول بودند. در ادامه معلوم شد که دختر بزرگ این خانواده نامزدی دارد که بارها انزجار و نفرت خود را از کشتن حیوانات به‌خاطر فروش خز و پوستشان نشان داده بود. این مرد جوان فرانک نام دارد و پلیس در ادامه تحقیقات به او مشکوک شد. با دستگیری فرانک، وی در بازجویی‌ها اعتراف کرد که خانواده دختر موردعلاقه‌اش به همراه دوستانشان همگی در کار شکار حیوانات و فروش پوست آنها فعالیت داشتند. حتی به مهمانی‌های مجللی که همگی لباس‌های خزدار بر تن داشتند، دعوت می‌شدند و وی نمی‌توانست کشتن حیوانات توسط آنها را تحمل کند، آنها را به قتل رساند. براساس گفته مقامات دادگاه کالیفرنیا، جمعه گذشته، فرانک به ۳حبس ابد محکوم شد.

انتظامی

مأموران قلابی با اتوبوس راهی سرقت می‌شدند

۲مرد که با پوشیدن لباس پلیس و سوار بر یک اتوبوس شهری دست به اخاذی از اتباع خارجی می‌زدند دستگیر شدند.

به گزارش همشهری، متهمان درحالی که لباس و تجهیزات پلیسی همراه خود داشتند، با اتوبوس در خیابان‌های مختلف شهرستان رباط‌کریم پرسه می‌زدند و با مشاهده اتباع خارجی مجاز یا غیرمجاز از آنها می‌خواستند که سوار اتوبوس شوند. متهمان با این ادعا که اتوبوس برای جمع‌آوری و طرد اتباع خارجی است، طعمه‌هایشان را تهدید به اخراج از ایران کرده و به بهانه آزاد کردنشان، از آنها پول و اموال باارزش می‌گرفتند. سرقت‌های این سارقان عجیب ادامه داشت تا اینکه مأموران پلیس امنیت در جریان فعالیت این سارقان قرار گرفتند و تحقیقات را برای شناسایی و دستگیری آنها آغاز کردند. مأموران با گشتزنی در خیابان‌ها، اتوبوس موردنظر را شناسایی و سارقان را درحالی که سرگرم اخاذی از یک تبعه خارجی بودند، دستگیر کردند. به گفته سرهنگ تیمور کلانتری، فرمانده انتظامی رباط‌کریم، با دستگیری هر دو متهم، تحقیقات از آنها ادامه دارد.

خبر خوب

بخشش قاتل در مراسم خون‌بس

پسر جوان دزفولی که ۲سال پیش در یک درگیری باعث مرگ یک جوان اندیمشکی شده بود، با اجرای مراسم خون‌بس از قصاص گریخت.

به گزارش همشهری، یکی از روزهای مرداد سال ۱۴۰۲، چند جوان اندیمشکی که برای تفریح به دزفول رفته بودند، با چند نفر در آنجا درگیر شدند. در جریان این درگیری، یکی از جوانان اندیمشکی سرش به جدول کنار خیابان خورد و وقتی درگیری پایان یافت، دوستانش او را بلند کرده و سوار خودروی خود شدند و به شهرشان بازگشتند اما شب هنوز به نیمه نرسیده بود که جوان اندیمشکی حالش بد شد. وقتی او را به بیمارستان رساندند دیگر دیر شده بود و پزشکان اعلام کردند که او بر اثر ضربه مغزی جان خود را از دست داده است.

با مرگ پسر جوان، پلیس وارد ماجرا شد و با شناسایی قاتل، وی بازداشت شد. مدتی بعد جلسه محاکمه متهم در دادگاه کیفری خوزستان آغاز و او به درخواست خانواده مقتول به قصاص محکوم شد. با این حال مدام می‌گفت که پشیمان است و هرگز قصد کشتن پسر اندیمشکی را نداشته است. با تأیید حکم قصاص در دیوان‌عالی کشور، شمارش معکوس برای اجرای حکم آغاز شد. در ۲سالی که قاتل در زندان به سر می‌برد، واحد صلح و سازش دادسرا، ریش‌سفیدان و خیرین برای گرفتن رضایت از اولیای دم اقدام کردند، اما تلاش‌ها راه به جایی نبرد تا اینکه چند روز پیش با برگزاری مراسم خون‌بس، خانواده مقتول از قصاص گذشتند و به قاتل فرصت زندگی دوباره دادند.

شیخ علی زبید، یکی از خیران و فعالان اجتماعی خوزستان که تاکنون در ۲۵۶پرونده باعث صلح و سازش شده، به همشهری می‌گوید: سنت خون‌بس در ایران در میان عشایر و ایلات بختیاری و لرستان جایگاه ویژه‌ای دارد. خون‌بس به‌معنای صلح میان دوطرف درگیری است که در آن خانواده مقتول با دریافت دیه یا اعلام شرایطی خاص، از انتقام و خونخواهی دست می‌کشند. با اجرای این مراسم بود که مرد زندانی بعد از تحمل ۲سال حبس، از قصاص نجات یافت.

آموزش

وام فوری؛ دامی برای کلاهبرداری

پلیس فتا به افرادی که به‌دنبال وام فوری هستند، هشدار داده است که هیچ نهاد رسمی‌ای در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، وام فوری یا سود کلان سرمایه‌گذاری ارائه نمی‌دهد. به گزارش همشهری، سرهنگ رسول جلیلیان، رئیس پلیس فتای استان البرز می‌گوید: این روزها وعده‌های جذاب مانند وام بدون ضامن یا سودهای غیرواقعی، به‌شدت افزایش یافته است که اغلب تله‌هایی برای کلاهبرداری هستند. به همین دلیل به شهروندان توصیه می‌شود که قبل از اعتماد، خوب تحقیق کنند و اطلاعات مالی خود را در اختیار افراد ناشناس قرار ندهند. او می‌افزاید: کلاهبرداران پیامک‌هایی با عنوان دریافت وام فوری ارسال می‌کنند. آنها برای جلب توجه در متن پیامک اینگونه می‌نویسند: «به پاس خرید قبلی، ۲۵۰میلیون تسهیلات ۳ساله پرداخت می‌شود.» سرهنگ جلیلیان می‌گوید: شیادان در ادامه با جلب اعتماد افراد، درخواست مبلغی برای واریز وام می‌کنند یا اینکه با ارائه شماره حساب مبلغی را به‌عنوان پیش‌ضمانت برای فعال‌سازی وام، درخواست می‌کنند. رئیس پلیس فتای البرز در راستای پیشگیری از اینگونه جرائم، توضیح داد: به هیچ عنوان به تبلیغات فریبنده در فضای مجازی اعتماد نکنید. هرگونه تسهیلات را فقط به‌صورت حضوری از شعب بانک‌ها پیگری کنید و به پیامک‌های ناآشنا اهمیت ندهید.

داخلی

گروگانگیری به بهانه کاریابی

اعضای باندی که به بهانه کاریابی، اتباع افغان را به باغ‌های شهرهای اطراف تهران می‌کشاندند و گروگان می‌گرفتند دستگیر شدند. به گزارش همشهری، تحقیقات برای دستگیری این باند با شکایت خانواده یکی از گروگان‌ها آغاز شد. آنها به پلیس گفتند که پسرشان زمانی که برای مصاحبه کاری از خانه خارج شده بود، از سوی افراد ناشناسی ربوده شده و آدم‌ربایان برای آزادی فرزندشان از آنها درخواست پول کرده‌اند. با شروع تحقیقات پلیسی معلوم شد که گروگانگیران ۴مرد هستند که به بهانه کاریابی، اتباع غیرمجاز را شناسایی می‌کنند و آنها را به باغ‌هایی در شهرستان‌های شرق و غرب تهران می‌کشانند و در آنجا گروگان می‌گیرند. سپس آنها را شکنجه و با ارسال فیلم شکنجه‌ها برای خانواده‌هایشان از آنها اخاذی می‌کنند. با شناسایی اعضای این باند، آنها در باغی در غرب تهران دستگیر شدند و مأموران از این باغ ۲تبعه خارجی را که گروگان گرفته شده بودند، نجات دادند. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.